

چگونگی دگردیسی ارزش‌های خانواده در بین زوجین دو نسل شهر ایلام

زهره عبدالهی^۱، نیر پیراهری^۲، یارمحمد قاسمی^۳، خلیل میرزایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

چکیده

تحلیل جوامع امروزی بدون لحاظ کردن مدرنیته ناممکن است. زیست‌جهان‌های انسانی در عرصه‌های گوناگون هنوز کمابیش در حال تجربه مدرنیته هستند. یکی از نهادهایی که از مدرنیته متأثر شده خانواده است. هدف این پژوهش مطالعه چگونگی تکوین ارزش‌های خانواده در شهر ایلام است. رویکرد مطالعه حاضر کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است. برای نیل به این هدف با ۳۲ نفر از زوجین دو دهه (۱۳۶۵-۱۳۷۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵) ساکن شهر ایلام بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته به عمل آمد، داده‌های مورد نظر جمع‌آوری و سپس با استفاده از فرایند کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی)، ۱۱۰ مفهوم، ۲۳ مقوله جزء و ۲۷ مقوله عمده و در نهایت دو مقوله هسته‌ای استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان داد تفاوت در ارزش‌های خانواده میان دو نسل در شیوه همسرگزینی، سبک زندگی، تغییر در سنت‌های خانوادگی، فرزندمهوری و ... است. خانواده، به سمت خانواده مدرن و شکننده در حرکت است. در نتیجه تغییر ارزش‌ها در خانواده وجود دارد که در چند دهه اخیر در ایلام تحت تأثیر فرایند مدرنیته و پیامدهای آن قرار گرفته است. در این فرایند دگردیسی ارزش‌ها با محوریت کمرنگ‌شدن سنت‌ها اتفاق افتاده است. ارزش‌های سنتی (نسل گذشته) به حاشیه رفته و به جای آن‌ها ارزش‌های مدرن در خانواده‌ها جایگزین شده است. واژگان کلیدی: ارزش‌های خانواده، تغییرات، سنت‌ها، مدرنیته، نظریه زمینه‌ای.

۱. دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

Abdolahiz615@Gmail.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار- نویسنده مسئول. n_pirahari@yahoo.com

Y. ghasemi@Ilam. AC. ir

۳. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام- نویسنده مسئول.

Mirzaeei_khalil@riau. ac

۴. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه و بیان مسئله

تحلیل جوامع امروزی بدون لحاظ نمودن مدرنیته، ناممکن است. زیست جهان‌های انسانی در عرصه‌های گوناگون هنوز کمابیش در حال تجربه مدرنیته هستند. یکی از نهادهایی که از مدرنیته متأثر شده خانواده است. خانواده یکی از نهادهای اصلی محسوب می‌شود که استمرار و بقای جامعه به نهاد خانواده وابسته است. چنانکه ویلیام گود^۱ (۱۹۶۰) به نقل از محسنی تبریزی (۱۳۸۳: ۶۸) معتقد است خانواده کانون و هسته اصلی تشکل اجتماعی است و به منزله نظام اجتماعی کوچکی است که زیربنای جامعه بزرگ‌تر را می‌سازد. خانواده به مثابه یکی از اجزای جامعه باید در متن جامعه دیده شود و تغییرات آن، همراه یا در پی تغییرات جامعه، تحت مطالعه قرار گیرد.

جامعه امروز ما از فرایندهای مدرنیته تأثیر پذیرفته است. یکی از ویژگی‌های مدرنیته این است که انسان خود به این آگاهی می‌رسد که در مسیر مدرنیته قرار گرفته و انتخاب‌های پرشماری پیش روی خود دارد. گاهی این حق انتخاب، تردیدهایی را به همراه می‌آورد؛ مثلاً در موج دوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، حدود ۷۴ درصد از مردم ایران در پاسخ به این پرسش که در پنج سال آینده مردم مذهبی‌تر یا غیر مذهبی‌تر خواهند شد، گزینه غیر مذهبی‌تر را انتخاب می‌کنند. این نگاهی که افراد به جامعه خود دارند، نشان می‌دهد آنان نیز تردید موجود نسبت به ارزش‌های دینی را به چشم می‌بینند (غفاری، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

یکی از انواع ارزش‌ها که در جامعه ما اهمیت فراوان دارد، ارزش‌های خانوادگی است. خانواده از کانون‌های تغییرات ارزشی جامعه است که در آن دو نسل «قدیم» و «جدید» با ارزش‌های مشترک و یا متفاوت هم‌زیستی دارند. در بررسی ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی اینگلهارت^۲ زیربنای تغییرات ارزشی را توسعه اقتصادی و رسیدن افراد به سطح فزاینده‌ای از امنیت می‌داند. او در تحلیل‌های تجربی خود نشان می‌دهد، تفاوت شدید و معناداری در همه ارزش‌های اجتماعی (شامل تأیید برابری جنسی، هم‌جنس‌گرایی، سقط‌جنین و طلاق) در میان مردمی که در جوامع غربی زندگی می‌کنند و آنان که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، وجود دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۵).

1. William Good

2. Inglehart

میرز^۱ (۲۰۱۳ به نقل از گود^۲، ۱۹۶۰) اعلام می‌کند که الگوهای خانواده در جوامع مختلف متفاوت است و حتی زمانی که دو نظام خانواده در یک جهت تغییر می‌کنند، نتایج این تغییر یکسان نخواهد بود. به تعبیر گود، نظام خانواده خود را برای پیشرفت به سمت جامعه مدرن به گونه‌ای تغییر داده که روند صنعتی شدن و مدرنیته را تسهیل کرده است.

این مسئله در ایران به نوعی نشان از کمرنگ شدن ارزش‌های سنتی و رواج آزاداندیشی‌های پست مدرن در حوزه خانواده دارد. خانواده از نظامی تولیدی به واحدی اجتماعی مبدل شده و از لحاظ ساختاری و کارکردی و نیز جمعیتی دستخوش تغییر بوده که این امر، خود ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به دنبال آن تضعیف خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است. شکل جدید خانواده ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه خود داشت که متفاوت از ارزش‌های خانواده گسترده و سنتی است (ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲: ۱۲).

بر اساس تجربه زیسته نگارندگان در استان ایلام شاهد دو نسل متفاوت در خانواده هستیم که این دو ابژه‌های نسلی متفاوتی را تجربه کرده‌اند؛ نسل اول که تجربه شرایط تاریخی و اجتماعی خاص دوران انقلاب و جنگ دارد، ارزش‌های خانوادگی خاصی هم دارد. به نظر می‌رسد نسل جدید با توجه به شرایط زیستی متفاوت از نسل قبل - که در آن تبلیغات رسانه‌ای نیز تأکید بر ارزش‌های مادی و لذت‌جویانه دارد - میل به ارزش‌های مادی، فردگرایانه، سودجویانه و منفعت‌طلبانه داشته باشد.

با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار بر خانواده و افزایش جمعیت جوان و نیازهای آن، به نظر می‌رسد جامعه ایلام با تفاوت نسلی روبرو شده است.

دو مسئله موجب شده ذهن نگارندگان را به سمت و سوی مطالعه حاضر معطوف نماید: اول مسئله جنگ هشت‌ساله در کشور است که تمام استان ایلام را درگیر آن نمود و باعث گردید هزاران نفر از ساکنان نواحی مرزی تا شعاع ۵۰ کیلومتر آواره شوند و به نقاط دیگر استان برای همیشه پناهنده گردند که شهر ایلام به عنوان مرکز استان مقصد مناسبی برای آن‌ها تلقی شد و ورود

1. Myers

2. Goode

این حجم از جمعیت به استان که اغلب روستایی و کوچرو بودند، بنیان‌های جامعه مبدأ و مقصد از جمله خانواده را در معرض دگرگونی قرار داد.

دوم تجربه مدرنیته در شکل بی‌قواره آن، از سال‌های ۱۳۵۰ به بعد ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایلام را به شدت دگرگون کرده است که انعکاس این دگرگونی بر روی نظام خانواده مشهود بوده و آن را با چالش‌های بسیاری مانند تغییر نقش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج کاهش فرزندآوری و ... مواجه ساخته است. بر این اساس، خانواده در ایلام، در معرض تغییرات چشم‌گیری مانند تغییر در ساختار، عملکرد، ارتباطات، ارزش‌ها و اطلاعات قرار دارد؛ از آنجاکه در خصوص تغییرات در خانواده‌های ایلامی پژوهشی صورت نگرفته و یا اگر پژوهشی انجام گرفته با روش کیفی نیست؛ در راستای رفع این خلأ تجربی، پژوهش حاضر در نظر دارد وضعیت ارزش‌های خانوادگی در بین زوجین دو نسل در شهر ایلام مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس هدف اصلی تحقیق پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱. زوجین مورد مطالعه چه درکی از ارزش‌های موجود خانوادگی دارند؟
۲. شرایط پدیدآورنده ارزش‌های خانواده از دیدگاه زوجین چیست؟
۳. واکنش زوجین در مواجهه با ارزش‌های خانوادگی چگونه است؟
۴. چه پیامدهایی از استقرار وضعیت ارزش‌های حاکم بر خانواده قابل تصور است؟

پیشینه تجربی

کولین در سال ۱۹۹۴ در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزش‌های خانوادگی در قانون اساسی آمریکا» توصیفی از ارزش‌های خانوادگی در آمریکا و نحوه دخالت دولت فدرال در تدوین قانون ازدواج و محور قرار دادن واحد خانواده ارائه داده است و با این کار مقایسه‌ای بین ارزش‌های خانوادگی در قانون اساسی آمریکا و ارزش‌های خانوادگی ایالت‌هایی چون یوتا می‌پردازد. او گزارش می‌کند که ارزش‌های خانوادگی موجود در آمریکا با ارزش‌های خانوادگی موجود در ایالت یوتا مغایر است. همچنین به این نتیجه رسید که دخالت دولت فدرال و ارزش‌های خانوادگی نمی‌توانند توأم با هم باشند و دولتمردانی که قانون اساسی آمریکا را نگاشتند به این

امر واقف بودند که ارزش‌های خانوادگی خارج از چارچوب دولت است (بورحسین بگی، ۱۹:۱۳۸۳).

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها و مطالعات خارجی در حوزه سنجش ارزش‌ها، مربوط به «اینگلهارت» است. اینگلهارت در کتاب مشهور خود با عنوان «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی» و در معرفی نظریه خود تحت عنوان «دگرگونی ارزش‌ها» ارزش‌ها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم کرده و در خصوص سنجش آن چنین توضیح داده که اگرچه سنجش و اندازه‌گیری مستقیم ارزش‌ها مشکل است، لیکن وجودشان از طریق تأکید پیوسته بر انواع معینی از اهداف قابل استنباط است، به عقیده او خواسته‌ها یا اهداف ممکن است در سه سطح فردی، میانه و کلان مطرح شوند (توکلی، ۱۳۷۸: ۱۴۷). تراب و دودر^۱ (۱۹۸۸) با استفاده از یک پرسشنامه به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نظام‌های ارزشی دو نسل جوان و نوجوان پرداختند. آن‌ها تفاوت‌های مشاهده‌شده در نظام ارزش‌های این دو نسل را ناشی از تفاوت در الگوهای تعاملی و بسترهای هنجاری ناهمگون آن‌ها می‌دانند.

مش^۲ (۲۰۰۶)، در پژوهشی تحت عنوان «ارتباطات خانوادگی و اینترنت»، حاکی از آن است که بین نوع استفاده از اینترنت و ارتباطات رابطه وجود دارد. بین استفاده‌ی بزرگسالان از اینترنت برای اهداف اجتماعی (بازی‌های آنلاین، ارتباط با دوستان، مشارکت در بحث‌های گروهی) با تعارضات و کشمکش‌های خانوادگی همبستگی مستقیمی دارد. اما بین استفاده از اینترنت برای یادگیری اهداف آموزشی همچون دالود نرم‌افزار یا جستجوی اطلاعات با تعارضات و انسجام خانوادگی رابطه‌ای وجود ندارد.

بالو^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزش‌های خانواده: تأثیر تجربی استفاده از اینترنت»، حاکی از آن است که بین ارزش‌های خانوادگی و استفاده از اینترنت رابطه معناداری وجود دارد. ارزش‌های خانوادگی مردان بیشتر تحت تأثیر اینترنت قرار دارند درحالی‌که ارزش‌های خانوادگی زنان بیشتر از تحصیلات تأثیر می‌پذیرد.

در داخل ایران، بررسی‌های گوناگونی درباره نظام خانواده، ابعاد، ویژگی‌ها، تغییرات و پویایی آن صورت گرفته است. بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده

1. Trub and Doder

2. Mesch

3. Ballew

تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی عنوان پژوهشی است که توسط آزادارمکی، مهناز زند و طاره خزایی (۱۳۷۹) انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که خانواده در اجرای آداب و رسوم ازدواج توانسته است کارکردهای خود را حفظ کند و تداوم بخشد و به نسل‌های بعد منتقل کند. همچنین نقش حمایتی خود را به اعضایش، باوجود تغییرات، از دست ندهد. از طرف دیگر، باوجود پایایی کارکردهای آداب و رسوم ازدواج و تشدید در اجرای مراسم برخی از سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر خانواده، شبکه خویشاوندی تحت تأثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد و در نگرش به بعضی از آن‌ها تغییرات مشاهده شده است.

آزادارمکی و ظهیری‌نیا (۱۳۸۹) بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده این تحقیق درصدد است با بهره‌گیری از نظریه‌های مربوط به تغییرات فرهنگی، ضمن شناخت وضعیت سنخ‌های ارزشی در بین اعضای خانواده ایرانی (والدین و فرزندان)، به بررسی تغییرات فرهنگی در خانواده بپردازد. داده‌های این تحقیق با تکمیل ۳۹۳ پرسشنامه (۲۰۰ نفر والدین و ۱۹۳ نفر فرزندان) به روش مصاحبه حضوری، از خانوارهای ساکن در شهر بندرعباس، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از بررسی وضعیت سنخ‌های ارزشی، نشان می‌دهند که هم والدین و هم فرزندان، ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند. همچنین نتایج نشان داد، میزان رضایت از زندگی، تعامل اجتماعی و احساس خوشبختی فرزندان، بیشتر از والدین است و در مقابل والدین بیشتر به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی توجه دارند. این مسئله احتمالاً به دلیل تأکید بیشتر والدین بر ارزش‌های سنتی، مذهبی و خانوادگی باشد که خود نیز، تحت تأثیر شرایط اجتماعی شدن افراد در دوران اولیه زندگی‌شان است. دریک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، به دلیل برآورده نشدن نیازهای اولیه افراد در هر دو گروه از پاسخگویان (والدین و فرزندان)، اولویت‌های ارزشی بیشتر به سمت ارزش‌های مادی گرایش دارد. درواقع به‌رغم ظهور و نمود بُعد سخت توسعه در جامعه آماری، بُعد نرم توسعه (تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب) هنوز تحقق نیافته است.

هاشمی (۱۳۸۷) در تحقیقی ارزش‌های اجتماعی و اولویت ارزشی را بر اساس فرضیه کمپابی و اجتماعی شدن اینگلهارت در تهران با روش پیمایشی مورد بررسی قرار داده است.

نتیجه به‌دست‌آمده نشان داد که با توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی حاکم بر ایران، ارزش‌های مادی در اولویت قرار خواهند گرفت. زیرا در جامعه جوانان احساس امنیت کمتری نسبت به سایر گروه‌های سنی دارند و این در گرایش آن‌ها به‌سوی ارزش‌های مادی مؤثر است.

شکریگی (۱۳۹۰) پس از بررسی‌هایی درباره خانواده (بر اساس سرمایه اجتماعی)، چهار نوع خانواده شامل در حال گذار، سنتی، تجددگرا و پست‌مدرن را مشخص و نام‌گذاری کرده است. این سنخ‌بندی از خانواده عمدتاً بر اساس توزیع قدرت و نقش‌های والدین و فرزندان صورت گرفته است. از نظر او، خانواده ایرانی در حال گذار دارای ویژگی‌های ترکیبی از دو خانواده سنتی و تجددگراست.

احمدزاده کرمانی و قاسمی (۱۳۹۲)، در مطالعه‌شان با عنوان «بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده»، در اصفهان پس از بررسی ابعاد ارزش سنتی و عقلانی و نیز عوامل مؤثر بر ارزش‌های جوانان، با استفاده از نظریه‌های حوزه ارتباطات و نظریات حوزه ارزش به بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده از زوایای مختلف پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که استفاده از اینترنت دارای اثر مثبت و فزاینده با گرایش بر ارزش‌های عقلانی و اثر کاهنده بر ارزش‌های سنتی دارد.

عظیمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوی کنش جوانان در خراسان رضوی بررسی کرده‌اند. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد تفاوت‌های بین نسلی و درون‌نسلی در مورد ارزش‌های همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی بررسی کرده‌اند یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد تفاوت‌های بین نسلی و درون‌نسلی در مورد ارزش‌های همسرگزینی و روابط با جنس مخالف است.

مطالعات خارجی حوزه خانواده همگی بر این نکته تأکید کرده‌اند که خانواده در دنیای معاصر تحت تأثیر عناصر و فرایندهای نوسازی، تغییرات اجتماعی و دگرگونی‌های فرهنگی بسیاری را تجربه کرده است. مطالعات داخلی، هرچند بیشتر از رویکردهای کمی و پیمایشی بهره جسته‌اند، نمایی روشن از خانواده ایرانی و تغییرات آن فراهم آورده‌اند. برهمین‌اساس، پژوهش حاضر از چند نظر از مطالعات پیشین متمایز است؛ نخست اینکه، با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایی، تاحدودی، از پژوهش‌های پیشین متمایز است، دوم، این بررسی در شهر ایلام مرکز

استان ایلام که دارای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متمایز با نقاط دیگر ایران است، سوم، نوعی الگوی تغییرات محلی را جهت طراحی سیاست‌های محلی و مدیریت تغییرات ارزش خانواده در جامعه تحت مطالعه را فراهم می‌کند.

زمینه نظری

در گذار از سنت به مدرنیته و به‌همراه تغییرات فرهنگی جامعه، نهاد خانواده دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه می‌کند. بزرگ‌ترین مشکل خانواده امروزی گذار از دوره سنت به مدرنیته است، که در این فرایند بخشی از هنجارها و ارزش‌های نظام فرهنگی سنتی برای کارکردی ندارد و بدیهی است که در توزیع وظایف، نقش‌ها و اهداف هم کارکردی نخواهد داشت و از طرفی هم خانواده امروزی هنوز تمام ارزش‌های نظام خانوادگی مدرن را نپذیرفته و به‌همین دلیل تعارضاتی میان خانواده‌های گذشته و فعلی وجود دارد. وضعیت کنونی نشانه‌هایی دارد که بیانگر ایجاد یکسری تغییرات در ساختار خانواده است. نشانه‌های این تغییرات از همسرگزینی تا تشکیل، دوام و نوع فرزندآوری خانواده دیده می‌شود و درنهایت هم به مشکلاتی که با طلاق و جدایی‌ها همراه است، دامن می‌زند. درک این دگرگونی و پیش‌بینی آثار و عواقب آن، از ابعاد مختلف حائز اهمیت است.

در تحلیل تعارضات نسلی و ارزشی، ساخت اجتماعی عینی بوده و با محور قرار دادن تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی، که در یک جامعه با هم‌زیستی زمانی و مکانی دارند، مسائل نسل‌ها و ارزش‌های آنان را ناشی از تضاد زیربنایی یادشده و در تناظر با موقعیت و منافع اجتماعی نسلی در نظر گرفته می‌شود.

بوردیو در تئوری تضاد ساختاری و نظریه نسلی خود روابط نسلی و تضاد ارزش‌های بین دو نسل را در عرصه‌های اجتماعی، نظیر دانشگاه، سیاست، ادبیات و خانواده پیگیری و تحلیل می‌نماید. بوردیو معتقد است رویارویی نسل‌ها و تضاد ارزشی آنان، در عرصه‌ها و «میدان‌های اجتماعی» مختلف اتفاق می‌افتد که عملاً حاکی از تعارض بین افراد با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است (بوردیو، ۱۴۴:۲۰۰۴). بنابراین بوردیو منشأ اصلی تضادهای ارزشی نسل‌ها را توزیع

نامتوازن منابع قدرت و ثروت و سرمایه (اقتصادی، نمادین، اجتماعی و انسانی) در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی می‌داند.

پارسنز در نظریه نظام‌هایش مدلی ارائه نمود^۱ و با اتکا به مدل خود، به کل مسائل مربوط به هر یک از چهار خرده نظام اجتماعی (اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ) پرداخت. وی با طرح متغیرهای الگویی با چهار نوع جهت‌گیری ارزشی دوگانه، می‌خواهد ارزش‌های جوامع گوناگون را به‌دست آورد و ماهیت آن‌ها را در رابطه با این جهت‌گیری‌ها مشخص کند (پارسنز، ۲۰۰۸). وی انواع جامعه را از هم تمیز می‌دهد: جامعه ابتدایی، جامعه باستانی و جامعه مدرن. به نظر پارسنز در جوامع مدرن جهت‌گیری الگوها به سمت عام‌گرایی، اکتسابی، پراکنده و خشی است و نقش‌های اجتماعی طوری که جهت‌گیری عکس آن رابطه را دچار بدکارکردی می‌کند.

رویکرد نوسازی با الهام از نسخه غربی توسعه و ترقی، بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی و ارتباطات تأکید دارد و اینکه با ورود آن‌ها به هر جامعه سنتی، تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۶: ۸۶). تغییرات ساختاری عمدتاً از طریق نشان‌گرهای نوسازی یعنی رشد صنعت، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، ارتباطات و اشکال متعدد تکنولوژی‌های جدید تبیین می‌شوند (جایاکودی و همکاران، ۲۰۰۷: ۴). از این رو، تئوری نوسازی کلاسیک در تبیین ساختاری تغییرات خانواده بر تغییر منظومه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأکید دارد.

از دیدگاه اسملسر فرایند نوسازی حاصل برهم‌کنش چهار فرایند متمایز «پیشرفت فن‌شناختی»، «تکامل کشاورزی»، «صنعتی شدن» و «تحول بوم‌شناختی» است (زاهدی، ۱۳۸۶: ۹۶). اسملسر معتقد است که برای تحقق نوسازی باید فرایند تمایزساختی در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های خانوادگی، نظام‌های ارزشی و نظام قشربندی محقق گردد. در فعالیت‌های خانوادگی فرایند تمایزساختی باید ناظر بر رهایی خانواده از بعضی کارکردهای سابق و تبدیل آن به یک کارگزاری تخصصی‌شده‌تر باشد. این گرایش معطوف به جدایی کارکردهای خانوادگی از کارکردهای اقتصادی است. در نظام‌های ارزشی فرایند تمایزساختی باید به‌سوی عرفی سازی

ارزش‌ها و در هم شکستن الگوهای کهنه جهت‌گیری شود. این فرایند اساساً ناظر بر گذار ارزش‌ها از ضمانت اجرایی مذهبی به معقولیتی خودمختار است (همان، ۹۸).

اینکلهارت در دو فرضیه اصلی خود تحت عناوین "فرضیه کمیابی" و "فرضیه اجتماعی شدن" به این نتیجه رسیده است که بعد از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، می‌شود انتظار مشاهده تفاوت‌های محسوسی را میان اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگسال و جوان جامعه داشت. فرضیه کمیابی، ناظر بر این است که اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی-اقتصادی وی است و شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که نسبتاً کم هستند. در فرضیه اجتماعی شدن می‌گوید؛ میان محیط اجتماعی و اولویت‌های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست؛ یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرايطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است. پس تغییرات اساسی در مقیاس وسیع زمانی رخ می‌دهد که یک نسل جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود (اینکلهارت، ۱۳۸۵: ۷۵).

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از رویکرد زمینه‌ای^۱ انجام شده است. روش نظریه زمینه‌ای مجموعه‌ای نظام‌مند و ساختاریافته از شیوه‌ها را برای ساختن یک تئوری به‌طور استقرایی حاصل‌شده به‌کار می‌برد که ریشه در حوزه تحت مطالعه و تحت تأثیر آن قرار دارد (جاناتان و اسمیت^۲، ۲۰۰۹).

در این تحقیق به پیروی از روش‌های کیفی، از نمونه‌گیری هدفمند^۳ و نظری^۴ استفاده شده است. بدین معنی، نگارندگان بر اساس این باور در روش کیفی، که کسانی باید در مصاحبه شرکت نمایند که بیشترین اطلاعات موردنیاز را در حین مصاحبه به محقق بدهند؛ که به این افراد را مطلعان یا دروازه‌بان^۵ می‌خوانند (نیومن، ۲۰۰۶). مصاحبه‌کنندگان با اشرافی که از حیث فرهنگی و اجتماعی بر جامعه هدف داشتند، تلاش نمودند با زوج‌هایی مصاحبه نمایند که آن‌ها

1. Grounded Theory
2. Jonothan & Smith
3. Purposive Sampling
4. Theoretical Sampling
5. Gatekeeper

را به این هدف نزدیک نمایند. در فرآیند اجرای مصاحبه و با لحاظ نمودن جهات ممکن و در نظر گرفتن تفاوت‌ها در بین مشارکت‌کنندگان (سواد-جایگاه-اقتصادی، نوع شغل و ...) مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که از حیث نظری اشباع حاصل شود. قلمرو جامعه مورد مطالعه شامل زوجین بین دو نسل (۱۳۶۵- ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵- ۱۳۹۵) در شهر ایلام است. در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و مصاحبه با ۳۲ نفر از زوجین (۱۶ زوج و ۱۶ زوجه) مصاحبه به عمل آمد. در روش نظریه زمینه‌ای جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که احتمالاً به دست می‌آید، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. محقق با نظریه‌ای پیش‌انگاشته شروع نمی‌کند، ترجیحاً با حوزه‌ای از مطالعه شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه به وسیله داده‌ها خلق شود. در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، اطلاعات جمع‌آوری شده به مفاهیم کدگذاری^۱ شده تبدیل و در فرایندی به هم متصل می‌شوند. کدگذاری فرایند جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام و یک‌پارچه کردن داده‌هاست (محمدپور، ۱۳۹۲:۳۲۸).

روش‌های کدبندی به ترتیب عبارتند از: کدبندی باز^۲، کدبندی محوری^۳ و کدبندی انتخابی^۴. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند مشارکت‌کنندگان انتخاب شدند. با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌عمیق پاسخگویان به صورت فردی مورد مصاحبه قرار گرفتند. مدت زمان هر مصاحبه ۳۰ الی ۴۰ دقیقه طول کشید و با رضایت پاسخگو صدای آنان ضبط و بر روی کاغذ پیاده و سپس کدگذاری گردید. برای درستی و قابلیت اطمینان یافته‌های تحقیق کیفی، معمولاً چهار معیار اعتمادپذیری^۵، انتقال‌پذیری^۶، وابستگی‌پذیری^۷ و تأییدپذیری^۸ وجود دارند (استرواس و کوربین، ۱۳۹۲:۲۳۰). برای ارزیابی اعتبار یافته‌های این تحقیق از معیار اعتمادپذیری استفاده شد. بدین منظور برای ارزیابی یافته‌ها، مفاهیم و مقولات تعیین شده جهت تأیید مقولات توسط سه داور متخصص در این حوزه مورد داوری قرار گرفت. پس‌ازاینکه مقولات عمده و مقوله

1. Coding

2. Open Coding

3. Axial Coding

4. Selective Coding

5. Credibility

6. Transferability

7. Dependability

8. Confirmability

هسته‌ای تعیین گردید، مدل نظری مبتنی بر داده‌ها ارائه شد که دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدهاست.

جدول ۱. مصاحبه‌شوندگان و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

ردیف	سن	تحصیلات										شغل					سال ازدواج	
		دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکترای تخصصی	دکترای عمومی	پژوهشگر	استاد	مدرس	کارمند	فرمانده	فرمانده	فرمانده	فرمانده	فرمانده	۱۳۹۵-۱۳۹۶	۱۳۹۱-۱۳۹۲
۱	۲۷	۲	۱	۲	۲	۳	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱۷	۱۵
۲	۲۷	۲	۱	۲	۲	۳	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱۷	۱۵

یافته‌های تحقیق

برای بررسی محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته در سطح تحلیل و استخراج مفاهیم اولیه و نظم‌دهی مفهومی با استفاده از روش‌های کدگذاری، در مرحله کدگذاری باز ۱۱۰ مفهوم مشخص شد. در مرحله دوم کدگذاری محوری کدهای اولیه بر اساس شباهت و تفاوتشان با سایر کدها در یک مقوله قرار گرفتند. فرایند شکل‌گیری مفاهیم به این صورت است که از یک یا چند عبارت معنایی چندین مفهوم استخراج شد. که به عنوان مثال به چند مورد از ساخت مفهوم و مقوله در جداول ذیل اشاره شده است:

جدول ۲. عبارت‌های معنایی

عبارت‌های معنایی	مفهوم
روابط خویشاوندی کم شده و خانواده‌ها بیشتر با اعضای خود ارتباط دارند.	کم شدن روابط خویشاوندی

جدول شماره ۳. مفاهیم

مفاهیم	مقوله
تربیت فرزندان، احترام به والدین، نگهداری از سالمند و دورهم غذا خوردن	خانواده به مثابه نهاد حمایتی

با توجه فرایند در این پژوهش، ۲۳ مقوله جزء و ۲۷ مقوله عمده حاصل شد و سپس مقوله هسته‌ای هم تعیین گردید. جدول زیر مراحل کدگذاری استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده در بین دو نسل

مقوله هسته‌ای	مقوله عمده	مقولات جزء	مفاهیم	
خانواده سنت راهبر	خانواده گسترده	-----	نوع خانواده در گذشته	ارزش‌های خانواده در نسل اول
	کارکردهای سنتی خانواده	خانواده به مثابه نهاد فراغتی	دورهم غذا خوردن، مسافرت خانوادگی، شب‌نشینی و مهمانی رفتن	
		خانواده به مثابه نهاد حمایتی	تربیت فرزندان، احترام به والدین، نگهداری از سالمندان، کم شدن روابط خویشاوندی	
		سلسله‌مراتب سنتی	اطاعت گری محض زنان، فرزندان مطیع پدر، تصمیم‌گیری بزرگان	
	حاکمیت راهبردهای سنتی	سنت راه بری	کمک و همسایه‌داری، قناعت‌پیشگی، اهمیت سوگواری	
		سنتی بودن شیوه همسرگزینی	آشکار نبودن ارتباط با جنس مخالف، اهمیت ازدواج فرزندان، انتخاب همسر، ازدواج درون‌گروهی، پایین بودن سن ازدواج	
		توجه به کیفیت زندگی	سلامتی اعضای خانواده، آرامش زندگی، توجه به بهداشت خانواده، تغذیه سالم	
		ارزش‌های سنتی	فرزندآوری زیاد، ترجیح جنسیتی	
		رفتار مذهبی	انجام واجبات مذهبی، اجرای مناسک مذهبی	
	حاکمیت دین سنتی	اعتقاد مذهبی	اعتقاد داشتن، دخالت روحانیون	

ادامه جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده در بین دو نسل

مفاهیم	مقولات جزء	مقوله عمده	مقوله هسته‌ای	
ارزش‌های خانواده نسل دوم	نوع خانواده امروزی	خانواده هسته‌ای	خانواده در معرض دگردیسی	
	مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی	تحول در سبک زندگی خانواده‌ها		سبک زندگی مدرن
	گسترش ارتباطات مجازی			
	فرامحله‌ای، کمرنگ شدن روابط خویشاوندی			
	پاسداشت سنت‌های ایرانی، امنیت و آرامش خانواده، مشارکت اعضای خانواده، جشن تولد، هدیه دادن به اعضای خانواده			
	حق انتخاب همسر، بالا بودن سن ازدواج، روابط قبل ازدواج، ازدواج برون‌گروهی	دگردیسی سنت‌ها		
	فرزندمحوری، اهمیت اوقات فراغت فرزندان، فرزندآوری محدود	فرزندمحوری		
	کاهش وزن و لاغر شدن، جراحی پلاستیکی، زیبایی آراستگی، آرایش کردن، نپوشیدن چادر	مدیریت بدن به‌مثابه هویت جدید		زیبایی‌شناختی
	آراستگی، آرایش کردن، نپوشیدن چادر			
	انجام واجبات مذهبی افراد مسن، اجرای نمایشی مناسک مذهبی	کارناوالی شدن مذهب		دین‌داری مناسکی
	میل به حقیقت‌جویی جوانان، تقلید نکردن از روحانیون			

همان‌طورکه در جدول فوق مشاهده می‌شود با استفاده از کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مفاهیم و مقوله‌های مرتبط استخراج شده است و در نهایت مقوله هسته در طی مصاحبه و با

تحلیل مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها و تا رسیدن به اشباع نظری حاصل شده است. هرکدام از این مفاهیم و مقوله‌ها بیانگر نگرش‌ها و شرایطی است که نمونه‌های مورد بررسی را به سمت تغییر ارزش‌های خانواده سوق داده است. در دهه‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی چون رشد شهرنشینی، رشد تکنولوژی، افزایش تحصیلات، رشد مشارکت اقتصادی-اجتماعی زنان، گسترش وسایل ارتباط جمعی، تغییر ارزش‌ها در خانواده به همراه داشته است.

شرح مقولات

خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای

خانواده گسترده قدیم‌ترین نوع خانواده در جهان است که به صورت‌های متعدد بروز کرده است. با توجه به تحولات صورت گرفته در جهان امروزی، خانواده از وضعیت گسترده به هسته‌ای تبدیل شده است. پارسونز اعتقاد داشت فرایند توسعه صنعتی منجر به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده هسته‌ای شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۱). در جامعه ایلام تا چند دهه پیش خانواده گسترده به شکل غالب روابط و مناسبات خانوادگی بوده است. همان‌طور که (Z-H)^۱ خانم-۴۷ ساله می‌گوید:

"در مرحله گذار هستیم که ساختار خانواده تغییر یافته و از شکل گستردگی که علاوه بر زوجین و فرزندان؛ پدربزرگ و مادربزرگ و گاهی عمه یا عمو عضو همان خانواده بودند؛ خارج شده و در گذشته پسران بعد از ازدواج با خانواده پدری زندگی می‌کردند و سالیان می‌گذشت و زندگی مستقلی از خود نداشتند ولی امروزه ارزش‌ها تغییر کرده و فرزندان پس از ازدواج از والدین جدا می‌شوند و زندگی مستقلی تشکیل می‌دهند و به نوعی شکل خانواده از گسترگی به هسته‌ای بودند تغییر یافته است".

● کارکردهای سنتی خانواده

یکی دیگر از مقولات تغییر ارزش‌ها کارکردهای سنتی خانواده است. بر اساس نظر پاسخگویان، در گذشته روابط خویشاوندی وسیع، نگهداری از پدربزرگ و مادربزرگ‌ها، اطاعت از مردان، مطیع بودن فرزندان، مهم بودن تربیت فرزندان، دور هم غذا خوردن مقوله تحت عنوان

۱. به نام اختصاری مشارکت‌کنندگان اشاره دارد.

کارکردهای سنتی خانواده شکل داده‌اند. ساختار خانواده به لحاظ قدرت در خانواده‌های سنتی به صورت عمودی و سلسله‌مراتبی بود. به عقیده هورکهایمر وجود اقتدار در خانواده تنها باعث می‌شود که کودک اطاعت و سر فرو آوردن در برابر فرد قدرتمند و خصومت نسبت به ضعیفا، افراد تحت ستم و گروه‌های خاصی را فرا گیرد (هایدی، ۱۳۶۷: ۱۲۳). که در این مورد پاسخگوی (R-T) -مرد ۲۸ ساله می‌گوید:

"تعصب و فرهنگ خانواده به دختر نگاه ضعیفه داشتن و مردان حامی زنان بودند. قدرت مردان در خانواده باعث می‌شد زن و فرزندان از او حساب ببرند. در تقسیم نقش‌ها خانه‌داری، فرزندآوری و ... بر عهده زنان بود و مانع می‌شدند که ادامه تحصیل و شغل بیرون داشته باشند."

و نیز (A-P) -آقا ۵۵ ساله می‌گوید:

"احترام به والدین، پدربزرگ و مادر بزرگ در خانواده‌ها ارزش داشت. روابط خویشاوندی خیلی نزدیک بود در گذشته همه اقوام در یک محله زندگی می‌کردند یا خانه‌های در کنار هم که حیاط یکی داشتند."

● تحول در سبک زندگی خانواده

پارسونز^۱ تغییرات فرهنگی را شامل تغییر در متغیرهای الگویی می‌داند. گیدنز^۲ (۲۰۰۴) که در بررسی سبک زندگی هم به ساختار توجه دارد و هم به کنشگر، بازاندیشی را خصوصیت بارز جوامع مدرن می‌داند. تحول در سبک زندگی خانواده‌ها مقوله‌ای که مشارکت‌کننده‌های این پژوهش به آن اشاره داشته‌اند و معتقد بودند که در خانواده‌ها مصرف‌گرایی، ارتباطات مجازی، پاسداشت سنت‌های ایرانی (شب یلدا، چهارشنبه‌سوری، نوروز و ...) امنیت و آرامش، مشارکت اعضای خانواده، تجمل‌گرایی، جشن تولد و سایر مناسبت‌ها بیشتر شده است. یکی از پیامدهای عمده این بازاندیشی در دنیای مدرن پیدایش سبک‌های زندگی است. که در این رابطه مشارکت‌کننده (R-T) -آقا ۲۷ ساله بیان می‌کند:

در این رابطه مشارکت‌کننده (H-A) -مرد ۳۵ ساله می‌گوید:

"امروزه به دلیل آگاهی و افزایش تحصیلات زنان در زمینه تربیت فرزندان و سایر تصمیم‌های زندگی مشارکت دارند و هدف تأمین آرامش و آسایش خانواده است. افزایش در تنوع مراسم‌های چون برگزاری جشن تولد، سالگرد ازدواج و هدیه دادن به وجود آمده است."

● حاکمیت راهبردهای سنتی

در گذشته با توجه به فرهنگ سنتی حاکم بر جامعه ایلام تعاملات سنت‌گرایی در خانواده‌ها حاکم بود. بر اساس یافته‌های پژوهشی در چارچوب سنت، خانواده در گذشته راهبردهای سنتی چون کمک به همسایه، قناعت‌پیشگی، اهمیت سوگواری، ترجیح جنسیتی و شیوه‌های سنتی همسرگزینی بر خانواده‌ها حاکم بوده است. خانواده‌ها سعی می‌کردند در هر شرایطی کنار هم باشند و از یکدیگر حمایت کنند. به‌طوری‌که مشارکت‌کننده Z-H (خانم ۴۶ ساله) بیان می‌کند:

"مراسم‌های عزاداری برای مردگان طولانی بود و متوفی در بین خانواده ارزش داشت و به احترام مرده حداقل چهار تا یک سال عزاداری داشتند. فامیل، بستگان و همسایگان جهت دلداری و شریک بودن در عزاداری در منزل صاحب‌عزا حضور داشتند. و کارهای تفریحی، برنامه‌های تلویزیونی پوشش‌های رنگی و ... نداشتند."

یکی از مقوله‌های که مشارکت‌کننده‌ها به آن اشاره داشتند کمک و حمایت از همسایه‌ها بود. در دیدگاه پاتنام اعتماد یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی است، که همکاری را تسهیل می‌کند (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱). و در همین زمینه مشارکت‌کننده F-O (خانم ۵۰ ساله) می‌گوید:

"در گذشته کمک و حمایت از هم‌نوعان در خانواده ارزش داشت و با همسایگان یا فامیلی که مشکل داشت درددل می‌کردند و سعی داشتند به آنان کمک کنند."

شیوه‌های همسرگزینی در خانواده‌های سنتی توسط والدین صورت می‌گرفت. آشنایی و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج در شکل‌گیری ازدواج بی‌معنا بود. همان‌طوری‌که مشارکت‌کننده A-P (مرد ۶۳ ساله) بیان می‌کند:

"فرهنگ جامعه اجازه تحصیل به دختر نمی‌داد و خانواده‌ها ترجیح می‌دادند که دختران در سن پایین ازدواج کنند. مایع ننگ خانواده‌ها بود دختر در دانشگاه خارج استان درس بخواند. بیشترین تحصیل دختران در گذشته دیپلم بود."

نظریه ترجیح^۱ بر تأثیر جنبه‌های فرهنگی به‌عنوان فاکتورهای کلیدی برای تبیین تغییرات اخیر رخ داده در باروری و خانواده در جامعه امروزی تأکید می‌کند (ویتالی و دیگران، ۲۰۰۸: ۵). که در این مورد مشارکت‌کننده (A-KH) -زن ۳۶ ساله بیان می‌کند:

"سنتی مثل ارزش پسر دار شدن در بین خانواده‌ها وجود داشت و پسر را به‌عنوان "وجاخ"^۲ می‌شناختند و تداوم نسل برای خانواده بود و بیشتر ارث پدری به پسران می‌رسید."

● دگرذیسی سنت‌ها

گیدنز «رابطه ناب» را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خودمرجع می‌داند که تنها وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۵). در مرحله گذار از سنت و ورود به مدرنیته؛ تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که در انتخاب همسر جوانان نقش ویژه دارند و نیز خانواده‌ها سهم خود دارا هستند. آشنایی و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، بستر مناسبی برای شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات در انتخاب همسر آینده تلقی می‌شود. بر همین اساس یکی مشارکت‌کنندگان مصاحبه (M-M) -مرد ۵۰ ساله می‌گوید:

"روابط عاطفی یکی از خرده‌فرهنگ‌های است که در بین مجردها رواج دارد. والدین بخشی از این روابط را پذیرفته‌اند مثلاً مکالمه‌های تلفنی، پیامکی و اینستاگرامی را قبول دارند و خانواده‌ها نگران این روابط هستند ولی مقاومت در بین والدین و فرزندان وجود ندارد."

فرزندمحوری

فرزندمحوری یعنی وضعیتی که در آن فرزندان مستقیم یا غیر مستقیم محور و اساس تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و مجموعه امور مختلف خانواده قرار می‌گیرند و همه مسائل خانواده، به‌طور کلی بر اساس نیازها، خواسته‌ها و اهداف آنان استوار می‌شود (مهدوی، ۱۳۸۱: ۸۹). که در این رابطه پاسخگوی (H-B) -مرد ۵۰ ساله می‌گوید:

1. Preference Theory

۲. به معنای اجاق است که خانواده‌های ایلامی معتقد بودند پسر در هر خانواده‌ای می‌تواند اجاق را روشن کند و آن نسل تداوم داشته باشد.

"امروزه خانواده‌ها به دلیل شاغل بودن هر والدین تعداد فرزندان آوری کمتر شده چون نمی‌توانند وقت بیشتری برای فرزندان بگذارند ولی خانواده‌ها سعی می‌کنند برنامه‌های زندگی‌شان بر اساس نظر و عقیده فرزندان باشد."

● مدیریت بدن به مثابه هویت جدید

زیبایی، آراستگی، آرایش کردن، نوع پوشش و جراحی پلاستیکی ازجمله عوامل مؤثر در مدیریت بدن هستند. مری داگلاس (Douglas, 2003) بدن را یک متن فرهنگی می‌داند که ضمن انعکاس ارزش‌های فرهنگی یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می‌بخشد. وی بر این باور است که بین بدن و تصور اجتماعی با هرگونه تأثیر از دیگران شکل می‌گیرد. طبق اظهارات پاسخگویان اهمیت به ظاهر و زیبایی در بین زنان و دختران رواج یافته است. در این مورد پاسخگوی (Z-H) زن-۴۷ ساله می‌گوید:

"امروز بیشتر به زیبایی ظاهر اهمیت می‌دهند چون ارتباطات بیشتر شده و معیارهای زیبایی تغییر کرده و ظاهر و زیبا بودن چهره برای زنان مهم شده ولی گذشته به سلامت جسمی یا توانایی فرزندآوری زنان مهم بوده است. زنی جذاب بود که چاق باشد ولی الان لاغر و مانکن بودن مهم است."

● حاکمیت دین سنتی

در خانواده‌های سنتی باورها و رفتارهای دینی حاکم بوده و بزرگان خانواده با نظرهای روحانیون رفتارهای دینی خود را نظم می‌دادند اما با تحولات انجام گرفته تغییراتی در رفتارها و باورهای دینی به وجود آمد. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میان سال و باینکه در یک فضای زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۷). آلپورت، در تعریف ارزش مذهبی به باورها و رفتارهای دینی توجه دارد، او جهت‌گیری مذهبی را در دو بعد جهت‌گیری درون‌دینی و برون‌دینی بیان کرد. (لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵۱). در این مورد پاسخگوی (A-KH) زن-۳۳ ساله بیان می‌کند:

"دین را مادرزادی انتخاب کردیم آگاهی دینی نداشتیم بدون اینکه دلیل مشخص برای ما تعیین کنند سن تکلیف برای انجام فرائض دینی اعلام می‌کردند و بیشتر حالت‌های تقلیدی و

تلقینی داشت ولی امروزه جوانان دنبال دلیل و استدلال‌های دینی هستند. خودم وقتی قرآن را با ترجمه می‌خوانم و به چیزهای شبه‌انگیزی می‌رسم."

● کارناوالی شدن مذهب

مناسک مذهبی با شکل و شمایلی که اکنون اجرا می‌شود بیشتر حالت کارناوالی به‌خود گرفته و از حالت مذهبی بودن تا حدودی خارج شده است. کارناوالی شدن مناسک درواقع آن را تبدیل به مکانی برای گذران اوقات فراغت بسیاری از افراد کرده است. با توجه به یافته‌های پژوهشی امروزه بیشتر مردم مناسک‌گرا هستند همان‌طوری که مصاحبه‌کننده (M-M) مرد ۵۰ ساله می‌گوید:

"رفتارهای مذهبی امروزه سطحی و نمایشی است و با اجرای مراسم‌های مذهبی سعی می‌کنند دین خود را نشان دهند. و مذهب به‌سمت سیاست رفته و بیشتر جنبه سیاسی دارد."

۱. افزایش توانمندسازی زنان

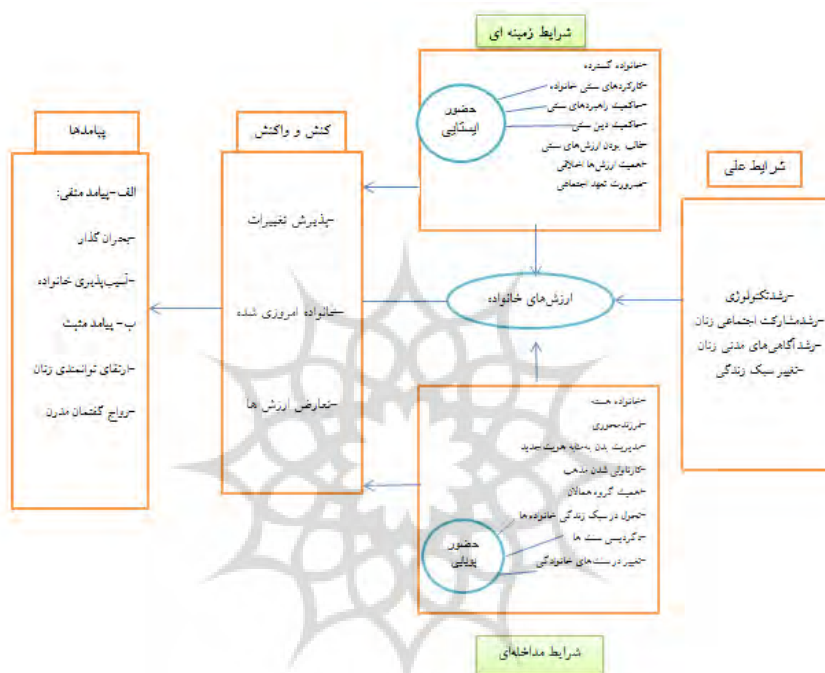
مشارکت‌کنندگان معتقد بودند امروزه زنان با تحصیل و اشتغال به توانمندی رسیده‌اند. مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی آنان افزایش یافته است. (N-M) -مرد ۴۳ ساله می‌گوید:

"رشد فرهنگی و مشارکت زنان در سطح اجتماع بیشتر شده وقتی دختران به تحصیلات عالی می‌رسند یا شغل دارند به استقلال اقتصادی و اجتماعی می‌رسند و تمایلی به ازدواج ندارند."

۲. اهمیت گروه هم‌سالان

شکاف بین نسل‌ها منجر به تعارض ارزش‌ها بین والدین و فرزندان می‌شود باعث دگرگونی و تحول در گفتمان خانواده‌ها شده است. به‌دلیل دگرگونی‌های اجتماعی؛ جامعه‌پذیری بر عهده گروه‌های چون هم‌سالان و دوستان است. طوری‌که مشارکت‌کنندگان عقیده داشتند امروزه جوانان بیشتر وقت خود را با دوستان و هم‌سالان خود می‌گذرانند و از آنان تأثیر می‌پذیرند. مصاحبه‌کننده (SH-M) -زن ۲۵ ساله می‌گوید:

"الان در بین دختران خیابان‌گردی و کافه‌گردی با دوستان معمول شده که در زمان اوقات فراغت همراه دوستان خود به این جاها می‌روند یا مراسم‌های جشن تولد در این مکان برگزار می‌کنند".



مدل پارادایمی

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که خانواده ایلامی در گذشته ساختار سنتی داشت، از فرهنگی قبیله‌ای و عشیره‌ای برخوردار بود؛ اما در طی دهه‌های اخیر، تحولات اجتماعی و فرهنگی این ساختار را دگرگون کرده است؛ تغییرات از ساختار فیزیکی تا متحول شدن فرهنگ و روابط اجتماعی را شامل می‌شود. پویایی و تغییرپذیری موجب شده خانواده‌های ایلامی مانند سایر خانواده‌های ایرانی در مسیر این تحولات قرار بگیرند. همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان داد اکنون خانواده از شکل گسترده خارج شده به خانواده هسته‌ای یا امروزی رسیده است به دنبال این تغییر ساختاری، تغییر

در ارزش‌های مربوط به خانواده تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند تجربه جهانی شدن و عوامل درونی چون رشد تکنولوژی، مهاجرت و ... رخ داده است. همان‌طوری‌که محمدپور (۱۳۹۲) در تحقیق "سنت، نوسازی و خانواده" نشان داد که ساختار خانواده به سمت خانواده هسته‌ای با دگرگونی نظام ارزشی در حرکت است.

بر اساس تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که در گذشته سلسله‌مراتب سنتی، قشربندی جنسیتی، اقتدار مردان، ازدواج سن پایین، روابط خویشاوندی گسترده، اهمیت به محیط‌زیست و اعتقادات دینی از ویژگی‌های بارز خانواده‌ها بودند. در گذشته ارزش‌های جمعی بیشتر از ارزش‌های فردی اهمیت داشته، به‌طور عمده خانواده‌ها جمع‌گرا بودند؛ مشارکت‌کنندگان بر این باورند که خانواده امروزی درگیر تغییراتی ژرف است. پارسونز اعتقاد داشت فرایند توسعه صنعتی منجر به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده هسته‌ای شده است. این نوع خانواده، برخلاف خانواده گسترده، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده است. با رشد تحصیلات زنان دگرگونی نقش و جایگاه زنان ایلامی به‌همراه داشت؛ افزایش مشارکت اجتماعی اقتصادی زنان، اشتغال زنان و بالا رفتن سن ازدواج از مشخصه‌های ویژگی زنان ایلامی است. با توجه به فرضیه اجتماعی شدن اینگلهارت می‌توان گفت ارزش‌های خانواده تحت تأثیر شرایط اجتماعی شدن افراد تغییر می‌یابد.

با توجه به نتایج پژوهش ورود تکنولوژی شرایط پیدایش ارتباطات فرامحله‌ای و الگوبرداری غیربومی شده که شکل جدیدی از ارزش‌ها پدیدآورده است، فراهم کرده است. همان‌طوری‌که کفاشی (۱۳۹۴) در تحقیق بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده نشان داده که ارزش‌های خانوادگی دانشجویانی که به اینترنت دسترسی دارند با سایر افراد متفاوت است. همچنین خدامرادی (۱۳۹۲) در پژوهش تأثیر فضای مجازی و ارزش‌های خانواده ایلام نشان داد که اینترنت و فضاهای مجازی بر ارزش‌های خانواده تأثیر گذاشته و تغییراتی در رفتار و گفتار نسل جوان مشاهده می‌گردد.

تافلر^۱ (۲۰۰۷) شرایط جدید دنیا را موجب تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌داند به‌طوری‌که در خانواده نمایان می‌شود؛ رسانه‌های ارتباطی موج سوم به افراد کمک می‌کند تا فردیت خود را

1. Taffler

به‌دست آورند؛ چنین تغییراتی باید جدی گرفته شود. در نتیجه ارزش‌های خانواده در ایلام - البته هنوز کاملاً شبیه جوامع مدرن نشده - تغییر کرده است.

رشد شهرنشینی و تغییر سبک زندگی از عواملی بودند که مشارکت‌کنندگان در تغییر ارزش‌های خانواده مؤثر دانسته‌اند. ویژگی‌های موجود در سبک زندگی نسل جدید، باعث ایجاد ماهیتی نو و متفاوت از نسل پیشین برای نسل نوین شده است. بالاس (۱۳۸۰) معتقد است؛ ایزه‌های نسلی به‌عنوان پدیده‌هایی بری حس هویت نسلی به‌نحوی ناخودآگاه موجب احساس همبستگی نسلی در میان انسان‌های دوره‌ای خاص می‌شوند که باعث تمایز آن‌ها از نسل‌های قبلی و بعدی خودشان می‌گردد. لذا تنها زمانی نسل جدید ارزش‌های نسل قبلی را نقض می‌کند، با نسلی جدید روبرو خواهیم بود.

در نتیجه ارزش‌های سنتی (نسل گذشته) کمرنگ شده و به‌جای آن‌ها ارزش‌های مدرن در خانواده‌ها جایگزین شده‌اند. بر اساس تئوری کشف‌شده خانواده ایلامی به‌سمت خانواده مدرن و شکننده در حرکت است. مدرن از این نظر، که سبک زندگی متحول شده، شیوه مدیریت بدن تغییر کرده، سنت‌ها در معرض دگرپرسی قرار گرفته، خانواده هسته‌ای به‌عنوان الگویی غالب در ساختار خانواده‌ها ظاهر گشته؛ آگاهی زنان بیشتر شده و نسبت به چند دهه پیش مشارکت بیشتری را در عرصه‌های جامعه تجربه می‌کنند. و شکننده از این منظر که به‌موازات مدرن شدن خانواده، طیفی از آسیب‌ها از جمله خودکشی، طلاق، اعتیاد، خشونت‌های خانوادگی و ... در حال وقوع است که امنیت وجودی خانواده ایلامی را نشانه گرفته است. چنین دگرپرسی در خانواده ایلامی در مقایسه با استان‌های دیگر کشور و حتی استان‌های هم‌جوار امری طبیعی و معمولی نیست، زیرا استان ایلام در زمینه خودکشی طی سال‌های اخیر رتبه اول را در خاورمیانه دارد و با توجه به آمارهای اعلام‌شده از سوی پزشکی قانونی و اداره کل بهزیستی استان نرخ رشد خشونت‌های خانگی اعم از همسرآزاری و کودک‌آزاری سیر صعودی دارد. در حوزه دگرگونی‌های خانواده برای جامعه‌ای ایل‌تبار و سنتی ایلام؛ در مقایسه با اجتماعات پیرامون کشوری پدیده تحولات ناگهانی خانواده، حائز اهمیت است. در خانواده‌های سنتی که هنوز در معرض تجربه مدرنیته قرار نگرفته بودند نسل صرفاً با فاصله سنی تعریف می‌شد اما از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، شکاف، تفاوت و فاصله چندان چشمگیر نبود و در درون یک خانواده فقط

دو نسل بزرگسال و کم سن و سال وجود داشت. لذا ابژه‌های نسلی در درون خانواده با هم شباهت داشت، درحالی‌که در خانواده مدرن ایلامی، مفهوم نسل دیگر، با فاصله سنی مشخص نمی‌شود بلکه با فاصله اجتماعی متفاوت و ابژه‌های نسلی متفاوت تعریف می‌شود. یعنی در درون یک خانواده می‌توان ۳-۴ نسل را که ابژه‌های نسلی و تفاوت‌های ذائقه‌ای با هم دارند ولی همچنان هسته‌ای هستند، تشخیص داد. در نتیجه به باورها، دگردیسی خانواده ایلامی، پدیده‌ای منحصر به فرد و خاص محسوب می‌شود.

منابع

- آزادارمکی، تقی و مصطفی هیری نیا (۱۳۸۹)؛ «بررسی سنج‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، پاییز.
- آزادارمکی، تقی و حسن خادمی (۱۳۸۲)؛ «ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، ش ۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۵)؛ «مدرن‌سازی، تغییر اجتماعی و استمرار ارزش‌های سنتی»؛ ترجمه حامد حاجی‌حیدری، نشریه راهبرد یاس.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۲)؛ اصول روش کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسلوین، جان (۱۳۸۰)؛ «اینترنت و جامعه»، ترجمه عباس گلیگوری، تهران: کتابدار.
- احمدی، وکیل (۱۳۹۳)؛ «بررسی وضعیت ازدواج و مضيقه آن در استان ایلام»، مجله فرهنگ ایلام، شماره ۴۲ و ۴۳، تابستان.
- بالس، کرسیتوفر (۱۳۸۰)؛ «ذهنیت نسلی: دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل»، ترجمه حسین پاینده، ارغنون، شماره ۱۹.
- بوربور حسین‌بیگی، مریم (۱۳۸۳). «بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل (مطالعه موردی کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و والدین آن‌ها)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- تافلر، الوین (۱۳۸۴)؛ «موج سوم»، بازنمایی روابط نسلی در تلویزیون، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات جهاد دانشگاهی.

- توکلی، مهناز (۱۳۷۸). ارزش‌ها، مفاهیم و ابزارهای سنجش، نامه پژوهش شماره ۱۵ و ۱۴ سال ۱۳۷۸.
- زاهدی، محمدجواد و عمرخضرنژاد (۱۳۹۲): «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده - شهر بوکان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱.
- خدامرادی، طاهره (۱۳۹۲): «بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده»، مجله فرهنگ ایلام، شماره ۴۴ و ۴۵، پاییز و زمستان.
- غلامرضا، غفاری (۱۳۹۵): «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها موج سوم»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - پاییز.
- کفاشی، مجید (۱۳۸۸): «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره سوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲): «تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵): پیامدهای مدرنیته، تهران: نشر مرکز.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲): «خردروشن: مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، جلد دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۶): «بازسازی معنایی توسعه و تغییرات اجتماعی در منطقه اورامان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- Inglehart, Ronald (2000) Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies. Princeton: Princeton University Press.
- Vitali, Agnese & et al. (2008) "Preference Theory and Low Fertility: A Comparative Perspective" European Demographic Research papers.
- Good, William (1963). World Revolution and family patterns, London: Glencoe.
- Strauss and Corbin (1998) Basic of Qualitative Research, London: Sage Publication
- Neuman, Iobert (2006) Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches, Thierd Edition, London: Alln and Bacon.